

## ۷ شهید روحانی مدافع امنیت

■ **حجت‌الاسلام محمد زارع مؤیدی**

روحانی شهید حجت‌الاسلام «محمد زارع مؤیدی» از طلاب جهادی و مدافع امنیت، ۱۲ فروردین ۱۳۶۴ در منطقه بیضا در ۳۰ کیلومتری شمال غربی کلان‌شهر شیراز متولد شد و ۲۴ آبان امسال به دست اغتشاشگران در شیراز به شهادت رسید.

از این شهید بزرگوار دو فرزند پسر به‌نام‌های حسین و محمدامین ۹ و ۱۲ ساله به‌یادگار مانده است.

خدمات‌رسانی به مردم و امداد‌رسانی به‌ویژه در مناطق محروم یا هنگام سیل و زلزله به‌عنوان بسیجی یا طلبه یا جهادگر، مانند: حضور در سیل لرستان و خوزستان و خدمات‌رسانی به مناطق محروم سیستان و بلوچستان و فارس، حضور فعال در موکب‌های اربعین، حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و مقابله با دشمن تکفیری و داعش در سوریه، بخشی از زندگی کوتاه، پربار و پرافتخار این طلبه شهید است.

\*\*\*

■ **مولوی عبدالواحد ریگی**

شهید مولوی عبدالواحد ریگی، از علمای شاخص استان سیستان و بلوچستان و امام جمعه اهل سنت مسجد امام حسین علیه السلام خاش بود این عالم اهل سنت در طول عمر پربرکت خود، همواره از وحدت و برادری قلبی و عملی میان اهل تشیع و اهل سنت، سخن می‌گفت و دفاع از ایران اسلامی و آرمان‌های انقلاب را یک وظیفه و تکلیف می‌دانست.

شهید عبدالواحد مولوی همزمان با اعتراضات ۱۴۰۱ ایران، در تاریخ پنجشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۱ ربوده شده و به شهادت رسید.

\*\*\*

■ **حجت‌الاسلام سجاد شهرکی**

روحانی شهید حجت‌الاسلام شهرکی متولد دهه ۶۰ (۳۲ ساله) امام جماعت مسجد مولای متقیان علیه السلام شهر زاهدان، از پیشتازان عرصه جهاد و خدمت و از فعالان فرهنگی و اجتماعی بود که مسجد مولای متقیان علیه السلام واقع در بلوار «جمهوری اسلامی» زاهدان را به محور برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و بصیرتی محل تبدیل کرده بود.

دوازدهم آبان‌ماه ۱۴۰۱ در روز پنجشنبه، مقابل مسجد مولای متقیان علیه السلام در شهر زاهدان توسط افراد مسلح ناشناس به ضرب گلوله به فیض شهادت نائل می‌آید.

\*\*\*

■ **طلبه شهید مهدی زاهدلویی**

شهید مهدی زاهدلویی؛ عضو فعال گروه‌های جهادی در دی‌ماه سال ۱۳۸۱ در یکی از شهرهای اطراف زنجان(ماهنشان) در یک خانواده مذهبی متولد شد و در سال ۱۴۰۱ وارد مدرسه علمیه امام باقر علیه السلام حوزه علمیه قم شد و از اعضای فعال بسیج بود که در اوایل مهرماه در آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر قم، از ناحیه قلب با سلاح سرد مجروح شد و پس از حدود یک هفته بستری و تحمل جراحات و علی‌رغم تلاش کادر درمان، به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

\*\*\*

■ **طلبه شهید احمدرضا عرفانی‌نیا**

شهید احمدرضا عرفانی‌نیا متولد سال ۱۳۷۶، طلبه حوزه علمیه قم و حافظ کل قرآن کریم و از طلاب شاخص جهادی در منطقه بیرم لارستان، حوالی ساعت ۴:۵۰ سحرگاه روز ۲۲ مهر ۱۴۰۱ به‌همراه پاسدار شهید نورالدین جنگ‌جو از سوی دو اغتشاشگر که در حال شعارنویسی در خیابان امام سجاد علیه السلام شهر بیرم لارستان بودند، با شلیک گلوله به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

\*\*\*

■ **طلبه شهید آرمان علی‌وردی**

طلبه شهید آرمان علی‌وردی ۲۱ ساله، در سال ۱۳۸۰ در تهران به دنیا آمد. این طلبه بسیجی دروس طلبگی را در مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی علیه السلام آغاز کرد.

وی مربی کانون تربیتی حوزه علمیه و همچنین عضو بسیجیان یگان امنیتی امام رضا علیه السلام سپاه محمد رسول‌الله صلی الله علیه و آله تهران بزرگ بود که در مأموریت‌های بسیج برای مقابله با ناآرامی‌ها و اغتشاشات حضور فعال داشت.

شهید علی‌وردی در اغتشاشات روز چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ در شهرک اکباتان، از سوی عده‌ای ربوده شد و بعد از بستن وی و ضرب‌وشتن شدید با ضربات متعدد چاقو، وی را کنار خیابان رها کردند که به‌دلیل شدت خون‌ریزی، روز جمعه (۶ آبان) به شهادت رسید.

\*\*\*

■ **طلبه شهید حسن مختارزاده**

طلبه بسیجی مدافع امنیت حسن مختارزاده متولد ۱۳۸۰، طلبه پایه ۶ مدرسه علمیه عترة علیه السلام قم، بسیجی فعال یگان فاتحین استان قم و عضو گردان ۶۲ یگان امنیتی امام علی علیه السلام سپاه محمد رسول-الله صلی الله علیه و آله تهران بود که در جلوگیری از آسیب رساندن اغتشاشگران به اموال عمومی و حفظ امنیت مردم استان نیز نقش پررنگی داشت، به‌دلیل مصدومیت توسط اغتشاشگران پس از ۲۲ روز بستری در بیمارستان، سرانجام جمعه ۱۸ آذر ۱۴۰۱ به فیض شهادت نائل آمد.



# سونامی دروغ و تحریف

## بررسی ابعاد جنگ رسانه‌ای دشمن در اغتشاشات اخیر

دکتر اکبر نصراللهی، استاد علوم ارتباطات و رسانه در گفت‌وگو با رسانه KHAMENEI.IR به بررسی ابعاد جنگ رسانه‌ای دشمن در اغتشاشات اخیر پرداخته

و اقدامات رسانه‌ای اخیر دشمن را یک سونامی بزرگ دروغ و تحریف علیه ایران توصیف می‌کند.

متن پیش رو حاصل این گفت‌وگو است که از منظر تان می‌گذرد.

■ **دشمن در اغتشاشات اخیر، برنامه‌تهاجمی‌ای را کلیدزد که همه ابزارهای سخت و نرم را در آن به‌صورت ترکیبی مورد استفاده قرار داد. به‌عنوان یک استاد ارتباطات، بفرمایید دشمن از این هجوم رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی چه هدف‌هایی را دنبال می‌کرد؟**

● در جامعه مدرن امروز، بسیاری از کشورها و قدرت‌های بزرگ برای آنکه بدون درگیری به اهداف‌شان برسند، سعی می‌کنند، دیگران را با ترس و تهدید و مجموعه اقداماتی از این قبیل بدون صرف هزینه‌های سخت و فیزیکی، از پیگیری اهداف خود منصرف کنند و خود به اهداف‌شان برسند. تاکتیک دروغ هم، از تاکتیک‌هایی است که بسیار کهن بوده و همواره با بشر و زندگی اجتماعی همراه بوده است. از زمانی که رسانه‌های جدید و مدرن تأسیس شدند، نه‌تنها تاکتیک دروغ، شایعه و ترس از بین نرفت؛ بلکه وسعت و شدت دروغ بیشتر و نوع اعمال و مفهوم آن متفاوت شده است؛ به‌گونه‌ای که به‌تعبیر رهبر انقلاب، در جوامع امروزی با «لشکرسازی کاذب و انبوه‌سازی دروغ» سروکار داریم.

در حوادث اخیر، رسانه‌های غربی و فارسی‌زبان، بخشی از واقعیت ایران و بخشی از اعتراضات و ناراضیانی‌ها را به‌گونه‌ای برجسته‌سازی کردند که گویی کل کشور درگیر ماجرا و در همه‌جای کشور درگیری است. در‌صورتی‌که واقعیت این بود که تعدادی از مردم در پی حادثه تلخ درگذشت یک دختر جوان، به اعتراض پرداختند. شکل اولیه این حوادث اعتراض بود که حق هر فرد بوده و در قانون اساسی هم، به رسمیت شناخته شده است.

اما دشمن چون مترصد فرصت بود، قاعدتاً بی‌کار ننشست؛ چون کار دشمن دشمنی است؛ یعنی عجیب و غیرطبیعی نیست که دشمن دشمنی کند؛ ولی آنچه عجیب است، آن بود که این اعتراض، در زمان بسیار کوتاهی به اغتشاش و حمله به کل نظام و کل نهاد‌های حاکمیت تبدیل شد؛ این مسئله از این جنبه غیرطبیعی است. اعتراض طبیعی است؛ ولی تبدیل اعتراض به اغتشاش در زمان کوتاه و تعمیم یک اشکال به کل نظام جمهوری اساهی ایران غیرطبیعی است. دشمن همین اعتراضات و اغتشاشات را به‌گونه‌ای بازنمایی و منتشر می‌کند که واقعاً هرکس اگر مخاطب این رسانه‌ها و فضا‌های مجازی وابسته به آنها باشد، فکر می‌کند که در سراسر ایران درگیری و خشونت جریان دارد. در‌صورتی‌که واقعیت به این شکل نیست.

■ **ارزیابی شما از میزان هماهنگی رسانه‌ای در این ماجرا چیست؟**

● ما هیچ‌وقت در تاریخ پیدایش رسانه‌ها تا این لحظه شاهد این نبودیم که همه دشمنان و ظرفیت‌های آن‌ها، یکباره و یکجا، با استفاده از تمام تاکتیک‌ها، بر یک کشور و موضوعی به‌مدت طولانی متمرکز شود؛ در واقع هم‌افزایی بی‌سابقه‌ای را در داخل و خارج کشور در اغتشاشات جاری شاهد هستیم. در رسانه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای هم، وضع به‌همین صورت است. مثلاً اینترنشنال، بی‌بی‌سی و من‌وتو اگرچه اهداف تأسیسی یکسانی درباره جمهوری اسلامی ایران دارند و راهبردهای‌شان درباره جمهوری اسلامی ایران و مردم آن یکسان است –من معتقدم اینترنشنال و من‌وتو تکثیر بی‌بی‌سی‌هستند- اما درعین‌حال با وجود اختلاف تاکتیک‌ها، همه به‌عنوان یک لشکر هم‌افزا به‌شکل مستمر کار می‌کنند و کوچک‌ترین چیزی که نشان دهد که این رسانه‌ها هم‌راه و هماهنگ نیستند و در واقع اختلاف جدی در اصول مقابله با ایران دارند، نمی‌بینیم. این به‌معنی لشکرکشی انبوه رسانه‌ای است؛ یعنی سونامی دروغ، سونامی اطلاعات کاذب، سونامی تحریف و دیکتاتوری در عین کثرت. در واقع ما شاهد دیکتاتوری رسانه‌ای به‌تمام معنا هستیم؛ یعنی با وجود تنوع رسانه‌های دشمن با اسامی رسانه‌ای مختلف، با یک دیکتاتوری مواجه هستیم.

آنها هیچ صلابتی را به‌جز صدای خودشان به رسمیت

نمی‌شناسند و با این لشکرکشی، سونامی دروغ، تولید دروغ انبوه، بمباران اطلاعات و تحریف، مارپیچ سکوت ایجاد می‌کنند و این مارپیچ سکوت را حتی به حوزه نخبگانی تعمیم داده‌اند. آنها با لشکرکشی انبوه در حوزه رسانه و تکرار دروغ، تحریف واقعیت، بمباران اطلاعات، برجسته‌سازی وقایع منفی و با انکار واقعیت‌ها در زندگی عادی مردم ایران، شرایطی را فراهم کردند که مخاطبان و کسانی مانند استادان دانشگاه‌ها، هنرمندان و... که در شبکه‌های اجتماعی صاحب صفحات یا تریبون هستند، یا سخن‌نگویند و سکوت کنند یا دروغ‌های آنان را تأیید کنند؛ این یعنی مارپیچ سکوت. فشار دیکتاتورهای مدرن و لشکر خودخواه رسانه‌ای به‌اندازه‌ای زیاد است که مردم باید یا سکوت کنند و یا دیدگاه غلط آنها را تأیید کنند.

آنها حتی به سکوت و تأیید نظرات‌شان راضی نیستند و می‌گویند کنش‌گران مختلف، نباید سکوت کنند یا فقط حرف‌های ما را تأیید کنند؛ بلکه ابتدا باید بیایند ناسزایی فراتر از آنچه هست، به نظام بدهند. بعد ما آنها را پذیرفته و از آنها حمایت خواهیم کرد.

بنابراین این لشکر انبوه رسانه‌ای با سونامی دروغ و بمباران اطلاعات توانست، در درجه اول، مارپیچ سکوت را به حوزه نخبگان و حتی هواداران نظام تعمیم دهد و در مرحله دوم، بعد از اینکه آنها را وادار کرد که مارپیچ سکوت را عملی کنند، کسانی را‌که حرف نمی‌زنند، متهم به بی‌شرافی کرد.

دانشجو در محیط دانشگاه، استاد خود را چون حرف نمی‌زند و نظر او را تأیید نمی‌کند، بی‌شرف می‌خواند. این یعنی دیکتاتوری. آن‌ها علی‌رغم اینکه دیگران را به دیکتاتوری متهم می‌کنند، خودشان دیکتاتوری را هر روز اعمال می‌کنند.

■ **برای مهار و کنترل این فضا و خنثی‌سازی تأثیرات منفی آن باید چه کرد؟**

● برای مقابله با انبوه‌سازی دروغ و لشکرکشی و لشکرسازی‌های کاذب در برابر مردم ایران، ابتدا باید ماهیت این اعتراض‌ها و اغتشاشات بررسی و تحلیل شود. به نظر من، این بحران که از شهریور با درگذشت یک دختر جوان آغاز شد، همه ویژگی‌های بحران‌های پیشین را با شدت و گستردگی بیشتر دارد؛ البته همان‌گونه که گفتم، بی‌تردید مردم و مسئولان با تاب‌آوری و ظرفیت بالا و تجربه‌هایی که دارند، خواهند توانست این بحران را نیز مدیریت و به فرصت تبدیل کنند.
تألیفاً این بحران وجوه مختلفی از جمله ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و رسانه‌ای دارد. نباید علت‌های متنوع و متعدد اعتراض‌ها و اغتشاشات جاری از جمله عیوب نظام ارتباطی و رسانه‌ای و استفاده ناکافی از نخبگان را فراموش کرد. این بحران در عین حال که هدایت داخلی بیشتر واکنشی و انفعالی است. دستگاه‌های مسئول، و مدیریت خارجی دارد، حتماً ریشه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هم دارد؛ اما به‌ضرر قاطع، این حوادث بیشتر بحران رسانه‌ای است؛ به‌همین دلیل، بخش زیادی از آنچه که این روزها از وقایع ایران بازنمایی و منتشر می‌شود، فاصله‌ای از زمین تا آسمان دارد.

متأسفانه در حال حاضر سواد رسانه‌ای مردم، مسئولان و رسانه‌ها ناکافی است. بازدارندگی در قبال تعرض رسانه‌های رقیب و دشمن وجود ندارد. راهبردهای مسئولان و رسانه‌های داخلی بیشتر واکنشی و انفعالی است. دستگاه‌های مسئول، پاسخ‌گویی به‌موقع نیازهای مختلف اطلاعاتی، خبری، آموزشی و سرگرمی جامعه نیستند. دره‌مه مخاطرات و بحران‌های مهم و راهبردی قبلی، تأخیر در شروع و تعجیل در پایان وجود داشته است. بیشتر بحران‌های قبلی، با وجود اینکه علت‌های مشابه دارند، باز هم تکرار می‌شود. علاوه بر این، مسئولان برای حل برخی بحران‌های جدید از راه حل‌های تکراری استفاده می‌کنند. این اشکالات باعث شده است، هم بحران‌ها با پیامدهای زیاد و دوره‌ای تکرار شوند و هم اینکه دشمن، هر روز دروغ‌های بیشتری را منتشر و میدان‌های تازه‌ای را باز کند. باید



بپذیریم در قبال این حجم از دروغ انبوه و بی‌سابقه و خشونت رسانه‌ای دشمن، افکار عمومی بی‌دفاع و دچار مارپیچ شده است. رسانه‌های داخلی توانسته‌اند، جلوی تعرضات رسانه‌ای دشمنان به روح و روان و امنیت مردم را بگیرند. چون سواد رسانه‌ای کافی ندارند، از ظرفیت رسانه‌ای دیر و ناکافی استفاده می‌کنند. آنان به رسانه اعتماد ندارند. به‌تعبیر رهبر انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم، کشور در «محاصره تبلیغاتی» است و امروز این محاصره شدت یافته و فشارهای دشمن بیشتر شده است. راهبردهای خروج از محاصره تبلیغاتی هم، کنشگری فعال، روایت اول، جهاد تبیین و بازسازی است و راهی جز این وجود ندارد.

نکته سوم اینکه وقتی که بپذیرفیم، این بحران بیشتر رسانه‌ای است، باید راهبردها و راهکارهای مقابله با آن نیز بیشتر رسانه‌ای باشد. تمام قرآن و شواهد نشان می‌دهد، دشمنان برای جلوگیری از رفتن به سمت یک ایران قوی، راهبردهای استمرار خشونت، توسعه و شدت شعارهای ساختارشکنانه، تبدیل میدان اعتراضات و اغتشاشات از خیابان‌ها به دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، اخلال در بازار کسب‌وکار و تجارت، خسته و عصبانی کردن نیروهای انتظامی و مسئولان و سوءه‌سازی و سوءایابی دروغین را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

اگر افراد و کنش‌گران مسئول بخواهند، با این راهبردها مقابله کنند، باید راهبرد مقابل آن‌ها را اتخاذ کنند. بنابراین به‌نظر می‌رسد، برای جلوگیری از تحقق راهبردهای دشمنان، تبدیل بحران موجود به فرصت، خروج از محاصره تبلیغاتی، مقابله با جریان تحریف، بصیرت‌افزایی برای افکار عمومی بی‌دفاع و جلوگیری از تعرض رسانه‌ای غرب، باید در کنار اتخاذ راهبردهای واقع‌نمایی، جهادتبیین، بازسازی در عرصه‌های فرهنگ، رسانه و اقتصاد، تقویت سواد رسانه‌ای مسئولان، رسانه‌ها و مردم، اصلاح نظام معیوب ارتباطی، استراتژی‌های کنش‌گرانه و فعال، ارائه روایت اول، صبر و مقاومت، آرام‌سازی، عادی‌سازی، اقناع‌سازی و همراه‌سازی، در دستور کار بخش‌های مختلف به‌ویژه رسانه‌ها، دانشگاهیان و مسئولان قرار بگیرد.

■ **با توجه به تأکید اخیر رهبر انقلاب اسلامی در دیدار بسیجیان درباره تلاش دشمن برای به تسخیر درآوردن مغزها، مواجهه و اقناع و تخاطب با افکار عمومی در وضعیت فعلی، چقدر اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند؟**

● در جنگ شناختی، جنگ روانی و سونامی تحریف و دروغ و لشکرسازی رسانه‌ها، هدف، افکار عمومی است و هدف جسم نیست. در جنگ‌های کلاسیک جسم‌ها هدف بودند؛ اما در جنگ شناختی اصلاً هدف جسم نیست؛ هدف روح، روان و مغز است؛ بنابراین همه نکاتی که رهبر انقلاب درباره جهاد تبیین و مقابله با جریان تحریف و محاصره تبلیغاتی گفتند، برخاسته از دغدغه ایشان نسبت به هدف قرار گرفتن مغزهای بی‌گناه و افکار عمومی است.

دشمن سال‌هاست در این حوزه تمرکز کرده و اقداماتش را توسعه می‌بخشد و در واقع تا حدود زیادی هم، موفق بوده است. ما درباره رسانه‌های داخلی، رسانه‌های فرهنگی و هنری و ساختارهای نرم غفلت داشته‌ایم. جمهوری اسلامی ساختارهای لازم از جمله وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تعداد زیادی خبرگزاری و مطبوعات را دارد؛ اما نسبت به حوزه‌های شناختی و جنگ نرم غفلت شده است.

این غفلت کار ضعیف دشمن را قوی نشان می‌دهد. این‌گونه نیست که رسانه‌های دشمن بسیار قوی باشند و اصول و قواعد عجیبی را به‌کار بگیرند؛ بلکه از این سمت غفلت صورت گرفته و همچنان نیز ادامه پیدا کرده است. ما این ساختارها را داریم؛ ولی این ساختارها آن‌گونه که باید، ایفای نقش نکرده‌اند. به‌همین دلیل رهبر انقلاب در نخستین دیدار خود با اعضای دولت آقای سیزدهم، بحث بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی را مطرح کردند.